

Wort des Tages لغت روز besorgen, sorgen

written by مرتضی غلام نژاد | می 8, 2017

besorgen یک فعل می باشد

فراهم کردن ، تدارک دیدن ، تهیه نمودن ، کاری را بر گردن گرفتن ، کاری را انجام دادن ، پرستاری کردن ، مراقبت نمودن ، مواظبت کردن ، نگران بودن ، دلواپس بودن

فعل besorgen از آن دسته از افعال در زبان آلمانی است که کاربرد های زیادی دارد و در موقعیت و شرایط مختلف می توان به شکل های متفاوت از آن استفاده کنیم.

گذشته ساده : besorgten

گذشته کامل : haben besorgt

حالت و موقعیت اول :

وقتی بخواهیم چیزی را تهیه کنیم یا خریداری کنیم

Etwas beschaffen, kaufen

چیزی را فراهم کنیم ، خریداری کنیم

Fahrkarten besorgen

بلیط قطار را تهیه یا فراهم کردن

Zigaretten besorgen

سیگار را تهیه یا فراهم کردن

Etwas zum Essen besorgen

چیزی را به جهت خوردن فراهم کردن یا تهیه کردن

Sie hat für die Kinder geschenke besorgt

او (مونث) برای بچه ها هدیه های فراهم کرد یا تدارک دید

Ich will mir das Buch noch heute besorgen

من می خواهم آن کتاب را نیز امروز تهیه کنم

Können Sie mir ein Taxi besorgen?

امکان داره یک تاکسی برای من تهیه کنید؟

نکته : در مورد افعال کمکی در زمان Konjunktiv 2 نزدیک ترین برداشت افعال کمکی در این زمان را اینگونه می شود تصویر سازی کرد که ما در فارسی ، معمولاً می گویم ، می شود برایم یک تاکسی بگیرید ، می شود یک لیوان آب داشته باشم ، می شود اینجا در کنار شما بنشینم و ... تمام مثال های که در فارسی گفتم ، هرگاه بخواهیم آنها را در زبان آلمانی بیان کنیم ، آنگاه می بایستی از زمان Konjunktiv 2 استفاده کنیم.

توضیحات بیشتر در این زمینه را می توانید خودتان از جزوه Konjunktiv 2 که لینک آنرا در زیر قرار میدهم ، مطالعه کنید:

Konjunktiv 2 جزوه

Jemandem eine Stelle besorgen

برای کسی یک موقعیت شغلی را فراهم کردن

حالت یا موقعیت دوم : چیزی را به صورت پنهانی یا مخفیانه همراه خود آوردن ، به سرقت بردن ، کش رفتن

Heimlich mitnehmen, stehlen

مخفیانه و پنهانی به همراه خود بردن ، دزدیدن ، به سرقت بردن ، ربودن ، کشف رفتن

Die Steine habe ich mir auf einer Baustelle besorgt

آن سنگ ها را من از یک مکانی که در آن ساختمان سازی می کنند کشف رفتم

حالت یا موقعیت سوم : وقتی کاری را به اتمام میرسانیم یا کاری را انجام میدهیم

Erledigen, (einen Auftrag) ausführen; dafür sorgen, dass etwas erledigt wird

کاری را به اتمام بردن (وظیفه یا ماموریتی را) به موقع انجام دادن ، از آن جهت نگران باشیم که چیزی به اتمام برسد.

Ein Geschäft besorgen

یک تجارت یا معامله ای را انجام دادن

حالت چهارم : نگران چیزی بودن

Einen Brief besorgen (dafür sorgen, dass er zur Post kommt

نگران یک نامه ای بودن ، دلوایس یک نامه ای بودن (از آن جهت نگران باشیم که آن توسط پست بیاید)

حالت پنجم : نگران خود یا دیگران بودن ، از خود و دیگران پرستاری کردن یا مراقبت کردن

Sich um jemanden, etwas kümmern

خود را دلواپس کسی ، چیزی کردن

خود را نگران کسی ، چیزی کردن

Die Kinder besorgen

از بچه ها پرستاری کردن

ضرب المثل آلمانی :

Was du heute kannst besorgen, das verschiebe nicht auf morgen

چیزی را که امروز می توانی انجام بدهی ، به فردا موکول نکن

که معمولا در فارسی می گویم : کار امروز را به فردا نننداز

و اما هرگاه بخواهیم فعل besorgen را به عنوان یک فعل انعکاسی در جملات استفاده کنیم ، آنگاه معانی زیر را به همراه دارد :

sich besorgen

خود را پیرامون یا به جهت چیزی نگران و دلواپس کردن

اگر دروس گذشته را مطالعه کرده باشید ، گفتیم پیشوند be به افعال می تواند حروف اضافه را از جمله حذف کند ، مثلا اگر ما پیشوند be را از فعل besorgen حذف کنیم ، آنگاه به sorgen میرسیم

sorgen

زحمت کشیدن ، تلاش کردن ، کوشیدن ، مسئولیت انجام کاری را بر عهده گرفتن ، دلواپس کسی بودن ، برای کسی نگران بودن ، مراقبت کردن و پرستاری کردن

حال هرگاه بخواهیم از sorgen استفاده کنیم ، آنگاه با دو حرف اضافه um و für که هر دو Akkusativ ساز هستند ، سر و کار داریم.

برای درک بهتر می توانید جزوء زیر را مطالعه کنید :

آشنایی با پیشوند be به افعال آلمانی

مثال :

Sich um jemanden oder etwas sorgen

خود را پیرامون کسی یا چیزی نگران کردن

در زبان فارسی معمولاً ما خودمان را برای چیزی یا کسی نگران و دلوایس میکنیم ، اما در تفکر آلمانی جدا از für که همان برداشت نزدیک به تفکر فارسی زبان هاست ، می توانیم از um نیز استفاده کنیم ، یعنی در تفکر آلمانی ما هم می توانیم برای چیزی یا کسی نگران بشویم و هم می توانیم پیرامون چیزی یا کسی دل نگران شویم.

Für Kinder und Alte muss besonderes gesorgt werden

برای بچه ها و سالمندان باید به طور ویژه ای دلوایس و نگران شد.

توجه داشته باشید که در تفکر آلمانی این نگرانی و دلوایسی به همراه مراقبت و نگهداری از آنهاست!

در بالا گفتیم که sorgen می تواند معانی تلاش کردن یا کوشش کردن را نیز بدهد :

Für eine gute Ausbildung sorgen

برای یک دوره آموزشی تلاش و زحمت کشیدن

Für die Zukunft der Kinder sorgen

برای آینده بچه ها تلاش و کوشش کردن

موفق باشید.